

آموزش اسماء و صفات الهی از دیدگاه آگوستین و ملاصدرا و تاثیر آن در سبک زندگی ایمانی

دکتر سجاد زنگنه تبار، دکترای فلسفه دین، مدرس درس معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

چکیده

در مقاله سعی شده که مسأله اصلی مدنظر "فهم دقیق اسماء و صفات الهی" را با رویکرد عقلی و روش تحقیق مقایسه‌ای از نوع توصیفی - تحلیلی کشف و تبیین گردند. و براساس دیدگاه آگوستین و ملاصدرا، شیرازی، اسماء و صفات را تبیین تاضمن فهم دقیق آن‌ها تقویت ایمان و در نهایت تصحیح رفتار فراگیران را به دنبال داشته باشد. اندیشمندان در هر دوره‌ای خداوند را با اسماء و صفاتی معرفی نموده‌اند. قبل از دین مبین اسلام متفکران خداوند را خدایی لایتغیر و زوال ناپذیر البته بصورت عدم ارتباط موثر با جهان معرفی نموده‌اند؛ اما آگوستین قدیس "خداوند را موجودی سرمدی (ازلی - ابدی)، متعالی، خیر محض، قادر، دانای کل و مطلق از جمیع جهات" معرفی نموده است و شگفتیهای جهان از جمله: نظم، زیبایی، تغییر و تحول گویای این می‌داند که این جهان و شگفتی‌هایش باید مخلوق چنین خدایی باشند. ملاصدرا نیز برخلاف همه حکما ماقبل خود برای اثبات وجود خدا از حقیقت وجود شروع کرده؛ زیرا وجود را حقیقتی عینی، واحد و بسیط می‌داند. وجود را مشکک و اختلاف وجود را به شدت و ضعف و کمال و نقص دانسته است. بالاترین مرتبه وجود که بدون نقص و نیاز و از جمیع جهات نامتناهی بوده خداوند می‌نامد. «یا ایها الناس انتم فقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید». (الفاطر/۱۵) و این مفهوم از خداوند و صفاتش تفاوت دارد با مفاهیمی که از خدا در ادیان الهی دیگر وجود دارد. هر دو حکیم صفاتی برای خداوند از جمله فیاض بودن، قائم ذات بودن، ازلی و ابدی و خیر محض بودن را بیان نموده‌اند؛ که مشهورترین صفات فیاض بودن او می‌باشد.

واژگان کلیدی: آگوستین، آموزش، صفات الهی، ملاصدرا.

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 17

Pages 1-13

Teaching the Names and Attributes of God from the Perspective of Augustine and Mulla Sadra and Their Influence on the Faithful Lifestyle

Dr. Sajjad

Doctor of Philosophy of Religion, Lecturer in Islamic Studies at

Zanganeh-Tabar

Farhangian University of Kermanshah

Abstract

The article attempts to explore and explain the main issue of "accurate understanding of the names and attributes of God" with a rational approach and a comparative research method of descriptive-analytical type. And based on the perspectives of Augustine and Mulla Sadra Shirazi, the names and attributes are explained so that along with their accurate understanding, it strengthens the faith and ultimately corrects the behavior of the learners. Thinkers in every era have introduced God with names and attributes. Before the manifest religion of Islam, thinkers introduced God as an unchanging and indestructible God, of course, in the form of no effective connection with the world; but Saint Augustine introduced "God as an eternal being (eternal), transcendent, pure good, powerful, omniscient and absolute in all respects" and the wonders of the world, including: order, beauty, change and evolution, indicate that this world and its wonders must be the creation of such a God. Mulla Sadr, unlike all the sages before him, started from the truth of existence to prove the existence of God; because he considers existence to be an objective, single and simple truth. He considered existence to be doubtful and the differences of existence to be intensity, weakness, perfection and imperfection. He called the highest level of existence, which is without imperfection and need and infinite in all respects, God. "O people, you are poor to Allah, and Allah is the Rich, the Praiseworthy. (Al-Fatir/15)" And this concept of God and His attributes is different from the concepts of God that exist in other divine religions. Both sages have stated attributes for God, including being generous, being the sustainer of essence, being eternal and eternal, and being pure goodness; the most famous of which is His being generous

Keywords: Augustine, Education, Divine Attributes, Mulla Sadra.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

تغییر و تطورات این مفاهیم بیان شود در ذهن مخاطبین بهتر و مفید تر جای می گیرد پس طبق نظر متفکران متقدم مسیحی که شاید بتوان گفت بخش عمده‌ای از فلسفه یونانی نیز بر آن تأکید داشت یا بین آن ها هماهنگی وجود داشت این است که آن ها در آموزش مفاهیم و معانی کمالات یا اسما و صفات خداوند مفاهیم فوق را بیان نموده اند.

چون خدای فلسفه ی یونان تأثیرناپذیر بود نمی توانست مستقیم با جهان تماسی داشته باشد لذا نیاز بود بین او و جهان واسطه ای باشد، یکی از رایج ترین واژه های که در فلسفه یونان در مورد این واسطه بکار می رفت واژه لوگوس ۱ که هم به معنای عقل و هم به معنای کلمه بود. به عنوان مثال، مفهوم خدای واحد حقیقی همراه با کلمه ای که واسطه ارتباط او با جهان بود در انجیل یوحنا باب دیده می شود و این برای طرفداران مسیحی یک نقطه تماس با فلسفه یونانی به وجود می آورد. هر چند مشکلاتی باقی بوده می تون گفت دو مشکل در این رابطه وجود داشت : ۱- کلمه نه به سبب وجود گناه ، بلکه به این دلیل این ضرورت داشت که خدا نمی توانست مستقیماً با جهان در حال تغییر و تبدل رابطه داشته باشد. ۲- کلمه در مفهوم یونانی متفاوت از خدا بود و از شأن و مرتبته نازل تر برخوردار بود و این باعث سلب مقام الوهیت ۲ از کلمه می شد .

برای بررسی مفهوم اسماء و صفات خداوند رویکرد های مختلفی وجود دارد. از منظر کلامی، فلسفی و یا عرفاتی و یا تطبیقی می توان این موضوع را بررسی کرد. که در این مقاله سعی شده از روش تطبیقی نظر اندیشمندان بزرگ « آگوستین و ملاصدرا ی شیرازی » که هر دو رویکردی عقلی و تقریباً شبیه به هم داشته اند بررسی و ارائه گردد.

در این نوشتار ابتدا مفهوم رایج صفات الهی در بین متفکران بیان شده و پس از آن نظراً آگوستین قدیس درباره صفات مشهور الهی از جمله آفریدگار بودن، قیومیت ، صانع بودن، بسیط بودن، امر قدسی و فیاض بودن الهی پرداخته شده است. در نهایت ضمن تفاوت معنای اسم و صفت به بیان و ارائه صفات فوق و بعضی صفات دیگر از نظر ملاصدرا پرداخته شده و تفاوت تقریر ایشان با متفکران ادیان مختلف بیان شده است.

بیان مساله

مساله و دغدغه اصلی در این نوشتار فهم دقیق مفهوم صفات الهی از نگاه دو متفکر مسیحی و مسلمان جهت آموزش این اسما و صفات به نحوی که باعث تقویت ایمان و در نتیجه اصلاح رفتارهای مورد رضای الهی شوند.

مفهوم خداوند

برای خداوند متعال در لسان و بیان اندیشمندان و متالهان اسماء و صفات متعددی از جمله نامتناهی، لایتغیر و تأثیر ناپذیر، صانع، بسیط و فیاض که دستخوش زوال و تغییر و تحول نمی شود وجود داشته است که سعی بر معرفی ایشان با این مفاهیم بوده است. (لین، ۱۳۹۰، ص ۷). در آموزش مفهوم خداوند اگر سیر زمانی این مفاهیم بیان شود و مراحل

logos

deity

علاوه وی معتقد بود؛ که خداوند در ابتدای کار همه چیز را از پیش تعیین کرده است و از ابتدا می‌دانست در امتداد ابدیت چه بر سر آفریدگانش خواهد آمد و چه سرنوشتی برای آن‌ها در آینده رقم خواهد خورد.

" اسکایولا " روحانی بسیار فرهیخته مسیحی سه نوع خدا را مشخص کرده است، یکی خدایی که شاعران او رامعرفی می‌کنند، دیگری خدایی که فیلسوفان و سومی خدایی که سیاستمداران در باره آن صحبت کرده اند. او می‌گوید : خدای نوع اول بازپچه است چون شاعران امور ناشایست و ناروایی درباره ی خدا ابداع کرده‌اند؛ خدای نوع دوم برای مردم کشورها مناسب نیست زیرا، این نوع مشتمل بر اموری زاید و اموری است که دانستن آنها برای نه تنها سودی ندارد بلکه مردم زیان هم دارد. پس باید گفت که خدای سوم را ظاهرآ پسندیده است. (آگوستین، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۰).

صفات خداوند در اندیشه آگوستین

الف) نامتناهی، بساطت و قائم بالذات بودن

در این قسمت با رویکردی عقلی به بررسی و بیان برخی از صفات الهی در اندیشه متفکران موحد ماقبل اسلام پرداخته شده است، از آنجا که اکثر اندیشمندان معتقدند که فهم و ورود به ذات الهی برای جویندگان این کارمیسر نیست؛ اما از طریق دریچه صفات الهی می‌توان با خداوند آشنا شد و او را درک کرد پس باید بیان شود مفاهیم اساسی و تاثیرگذار بر فکر و اندیشه بشر که در آموزش مفاهیم باری تعالی همیشه بر آن تاکید شده این است که خداوند بی کران، نامتناهی، لایتغییر و نامحدود است. مفهوم قائم به ذات (موجودی که برای وجود

درتفکر یونان جهان توسط یک موجود الاهی که نسبت به خدا از مرتبه ای پایین تر برخوردار بود و نیز از ماده ای قدیمی خلق شده بود بنابراین آفریده خدای متعالی نبود زیرا تفکر یونانی جهان مادی را خوار می شمرد همانگونه که پولس رسول در آتن دریافت که مفهوم رستاخیز جسم اساساً با تفکر یونانی در تضاد است. بعد از این دوران متفکرین بنامی از جمله سنت آگوستین قدیس ظهور کردند و مفهوم خدا را با عناوین دیگری نیز معرفی کردند. آگوستین نمی‌خواهد برای اثبات وجود خدا یک برهان و دلیل واحد ارائه کند؛ بلکه از راه عالم خارج یعنی عالم مادی هر چند به صورت اشاره یا کلمات موجز وجود خدا را اثبات کرده است. در ضمن تفسیرش از کتاب مقدس مسیحیان توضیحی آورده که می‌گوید:

«خود نظم، ترتیب، زیبایی، تغییر و حرکت جهان و همه اشیاء مشهود با زبان بی زبانی اعلام می‌کنند که فقط می‌توانند مخلوق خدایی باشند، که بطور وصف ناپذیر و نامشهودی بزرگ و زیباست.»

همچنین بیان کرده است؛ که همه متفق‌اند که خدا آن موجودی است، که در رفعت و جلال از همه موجودات برتر است. گفته اند آنسلم قدیس از وی یاد گرفته است که در وصف خداوند می‌گوید: خداوند موجودی است که بزرگتر از او را نمی‌توان تصور کرد. (کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۸۷).

نکته اساسی و قابل توجه در آموزش این مفاهیم از نظر سنت آگوستین باید به این نکته اشاره کرد که وی به اختلاف فاحشی بین خدا و جهان معتقد بوده است؛ که چنین مطلبی را مورد تأکید قرار داده است؛ از نظر وی خداوند موجودی است سرمدی، متعالی، خیر محض، دانای کل و مطلق از جمیع جهات. او علت همه چیز و جهان را از هیچ آفریده است به

همه به یک معنا به کار رفته‌اند. از میان این سه اصطلاح مهمترین آن‌ها مفهوم عشق و محبت الهی است، می‌شود گفت: خدا ملجاء و قوت ماست. محبت نامحدود خداوند به انسان به ایجاد این جنبه از تجربه دینی می‌انجامد که به موجب آن خداوند طالب اطاعت مطلق فرد نسبت به احکام الهی می‌گردد. (هیگ، ۱۳۹۰، ص. ۴۳-۳۷).

در ادامه توضیح در باره صفات فوق‌الاشاره نظرات دیگری هم هست که بر روی بعضی صفات تاکید بیشتری شده که بطور خلاصه بیان خواهند شد. وین رایت بیان می‌کند خدا باوران و خداشناسان سنتی متقدم معتقدند خداوند والا مقام دارای چهار صفت ما بعدالطبیعی به نام‌های بساطت، تغییر ناپذیری، بی‌زمانی و انفعال ناپذیری می‌باشد که خدا باوران جدید اغلب این صفات را دارای اشکال می‌دانند.

بساطت یعنی، هریک از صفات او با دیگر صفات و با وجود ذات او عینیت دارند یعنی وحدت دارند یا به زبان ساده یکی هستند. تغییر ناپذیری خداوند را نتیجه بساطت او می‌دانند خداوند از حیث لایتغیر بدون همان چیزی است که هست، وجود یا ماهیت او شهود عقلانی فراگیر او و فعل مدبرانه اش است که با آن همه چیز را پدید می‌آورد، همگی ضرورتاً لایتغیرند (وین رایت، ۱۳۹۰، ص. ۴۷-۴۳). از سخنان آگوستین قدیس چنین فهمیده می‌شود که وی، تغییر ناپذیری خداوند را نتیجه کمال او می‌داند؛ زیرا، چیزی که دستخوش زوال و تغییر می‌شود حافظ وجود خود نیست و چیزی که در معرض تغییر است می‌تواند وجود یا صفاتی را که داشته باشد از دست بدهد؛ بنابراین خداوند موجودی است که نه تنها تغییر نمی‌کند؛ بلکه به هیچ وجه دستخوش هیچ تغییر و زوال و یا تبدیلی نمی‌شود.

وبقاء نیاز به هیچ چیز ندارد بلکه وابسته به ذات خودش است) شامل دو عنصر است: ۱- خداوند برای وجود داشتن و دارا بودن صفاتش نه تنها قائم و وابسته به هیچ واقعیتی خارج از وجود ذات خود نیست بلکه همواره همه به او وابسته هستند و هیچ وجود یا شخصی والاتراز او در هیچ وجه و جهتی وجود ندارد تا بتواند برتر از خداوند باشد و او را از بین ببرد. وجود او غنای ذاتی و کمال نامتناهی دارد. ۲- وجود او سرمدی (ازلی و ابدی) است یعنی، نه آغازی دارد و نه پایان برای او می‌توان فرض کرد. (هیگ، ۱۳۹۰، ص. ۶۳).

ب) صانع و آفریدگاری

از صفات دیگری که هر موقع درباره خداوند و صفاتش یا درباره ی خلقت جهان بحث شود از آن نام برده می‌شود صفت صانع بودن اوست. آگوستین قدیس گفته است: اگر کسی برای پرستش خدای یکتای حقیقی که آفریدگار و صانه همه نفوس و همه اجسام است از طریق بت‌های بی‌جان و قربانی‌های انسانی اصرار ورزد چنین شخصی گناهکار است و او خداوند را آفریننده کل عالم دانسته است (آگوستین، ۱۳۹۱، ص. ۳۱۳). در برخی منابع دیگر بیان شده که، صانع یعنی او آفریننده ای نامتناهی، نامحدود، فیاض، بسیط که آفریننده همه موجودات است؛ البته آفریننده در اینجا به معنای خلق از عدم است؛ یعنی، وجود او به جهان بخشیدن است. (آگوستین، ۱۳۹۱، ص. ۳۸).

ج) تشخص، حب الهی، خیر محض

خداوند یا امر متعالی دارای هویت شخصی یا «شخص وار» است. غالب متألهان خداوند را متشخص (= شخص وار = صاحب هویت) می‌دانند نه شخص زیرا؛ مفهوم شخص تصور بشری تکامل یافته را القاء می‌کند. محبت و لطف و رحمت او

و قابل تامل اینکه آگوستین در برخی موارد پس از ایمانش به متون کتاب مقدس، کاری را که پیش از ایمان آوردن صورت می گیرد انجام می دهد، یعنی، با اقامه دلایل عقلی درصدد اثبات آموزه های متون مقدس و توجیه و تبیین عقلانی آنها برمی آید (گیسلر، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۵-۲۵۳). این گونه است که او به نوکیشان توصیه می کرد که در وهله نخست، به ایمان به متون مقدس گردن نهند. زیرا، کاوش های عقلی می تواند به دنبال آن و در رتبه بعد بیاید (استید، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۸). گو اینکه در تفکر آگوستین ایمان عقل را به دنبال خود می کشد. مبنای فلسفه آگوستین چنین به نظر می رسد که بر بدهات عقلی وجود خدا استوار است (ژیلسون، ۱۳۷۹، ص. ۱۰).

بررسی صفات خدا در اندیشه ملا صدرا

اسماء و صفات حق

درباره اهمیت و تاثیرگذاری فهم صفات الهی در باور و اعتقادات و در نهایت تاثیر بر روی رفتار و عملکرد انسان در اجتماع یا نقطه آغاز مراحل سیر و سلوک سالکان راه الهی قابل ذکر است؛ که ارباب ذکر، اصحاب توحید و عارفان، خداوند سبحان را به اسماء و صفاتش می خوانند و به این روش و وسیله گام در مراحل سیر و سلوک می گذارند. لازم است ذکر شود که ذکر و یاد خداوند به وسیله اسماء و صفاتش نه تنها فضیلت بلکه موجب قرب انسان به خداوند کریم می گردد. در قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان چهار آیه از اسمای حسنی الهی به صورت مستقیم اشاره کرده و آن چهار مورد عبارتند از:

در قرآن چهار آیه وجود دارد که در آن ها از اسمای حسنی حق سخن به بیان آمده که عبارتند از:

لازم است گفته شود که آگوستین در اواخر عمر خود، بخصوص در اعترافات و تجدید در نظرات سابق نظر خود را درباره نقش عقل تغییر داد. در این مرحله تعقل قبل از ایمان را رد می کند تا آن جا که اظهار میدارد عقل به هیچ وجه حقیقت را نشان نمی دهد. (ایلیخانی، ۱۳۸۲، ص. ۹۰-۸۹) از این رو در این دیدگاه راه رسیدن به حقیقت عقل نیست و عقل در این وادی راه به جایی نمی برد او رسماً تعقل فردی و معلومات حسی را منشأ دست یابی به حقیقت نمی داند. گ ژیلسون در این باره می گوید: «آگوستین هرگز از یاد نبرد که امنترین طریق وصول به حقیقت طریقی نیست که از عقل شروع شود و از یقین عقلی به ایمان منتهی گردد، بلکه برعکس، طریقی است که مبدأ آن ایمان است و از وحی به عقل راه می یابد» (ژیلسون، ۱۳۷۹، ص. ۱۶).

در واقع آگوستین درباره نقش ایمان در فهم، بیان صریحی دارد مبنی بر این که وحی ما را به ایمان آوردن فرا می خواند و مادامی که ایمان نیاورده ایم، نمی توانیم بفهمیم؛ اما وی در مقابل کسانی که در مسیحیت به صورت افراطی کاملاً عقل را کنار گذاشته اند گفته است: انجیل از ما نمی خواهد عقل را کنار بگذاریم، بلکه به جویندگان حقیقت وعده فهمیدن داده است. ایمانی که آگوستین از آن سخن می گوید امری دفعی است که الوهیت به عنوان لطف به انسان عطا می کند. زیرا انسانی که به طور عمیقی هبوط و سقوط کرده است توانایی اصلاح آن و بازگشت به سوی خدا را نخواهد داشت، مگر این که خدا این فرآیند را آغاز کند. او در این باره در یکی از اعترافات خود می گوید: اگر می توانستم ایمان آورم، چه بسا شفا می یافتم؛ اما روح بیمار من تنها راه علاج خویش را که ایمان بود پس می زد، زیرا بیم آن داشت که از نو در دام تعالیم باطل گرفتار آید (آگوستین، ۱۳۸۷، ص. ۶-۴). نکته آخر

اند صفت چیزی است که قائم به خود نباشد و از موصوف خود منفصل نشود و ضمن بی نهایت دانستن صفات حق را آن هاراد و قسم می دانند یکی صفات ذات یعنی صفات ثابت حق که قدیم و ازلی هستند و دیگری صفات فعل که مورد اختلاف هستند. (سجادی، ۱۳۸۹، ص. ۵۳۳) دسته بندی دیگری از صفات انجام گرفته که در مباحث آینده ذکر خواهند شد چند صفت مشهور ذات باری تعالی از جمله خیر، خالق، فاعل، عالم، واحد و عادل بودن وی را بیان می کنیم و در صورت لزوم صفات دیگر خداوند تبارک و تعالی توضیح داده خواهند شد. لازم به ذکر است در ارائه صفات خداوند و اشاره به افعال او به دنبال جواب این پرسش یا پرسش ها هستیم خداوندی که در متون دینی و حکیمان از او بحث کرده اند دارای چه صفات یا کمالاتی است و رابطه وجودش با این کمالات چگونه است؟ بنابراین برای کشف جواب این سولات در بین آثار و سخنان ملاصدرا باید در وهله اول صفات مشهور خداوند توضیح داده شوند و رابطه ی این صفات با افعال الهی یا مخلوقات او بیان شود.

در بررسی آثار و سخنان ملاصدرا و بالهام از آیه ۳ سوره مبارکه حدید وی معتقد است هستی از مبدأ واجب الوجودی که وجودی تمام تر و کامل تر از آن متصور نیست آغاز و به همان مبدأ ختم می شود. «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» (حدید/۳) وجود که حقیقتی عینی، واحد و بسیط است که بین افرادش در برخورداری از اصل واقعیت تفاوتی نیست مگر از جهت کمال و نقص، شدت و ضعف و نظایر این ها. زیرا وجودی که حقیقت صرف و بالاترین مرتبه وجود اختصاص به او دارد، هیچ نقص و ضعفی ندارد، او جواد و رحمان و رحیم است. همه موجودات در هر مرتبه ای هستند وابسته به او

۱- والله الاسماء الحسنی فادعوه و ذروا للذین یلحدون فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون (اعراف / ۱۸۰)

۲- قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی (اسراء / ۱۱۰)

۳- الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی (طه / ۸)

۴- هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی (حشر / ۲۴)

خداوند در این آیات نام های مقدس خود را با اسماء الحسنی توصیف کرده. و از آن جا که قرآن کتاب هدایت است و بندگان باید از قرآن تبعیت کنند پس ما هم باید معنای این صفات را بفهمیم و خدا را با این اسماء و صفات مقدس بخوانیم. هر چند در آیات دیگری از اسماء بدون حسنی استفاده نموده مثلاً آیه ۳۱ سوره بقره که می فرماید خداوند اسماء را به حضرت آدم یاد داد که باعث امتیاز انسان از دیگر موجودات شده است. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶، ص. ۳۸)

در آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره مبارکه بقره اشاره به آموختن اسمای الهی به حضرت آدم ع دارد و به واسطه تعلیم این اسماء انسان از همه موجودات دیگر ممتاز گردیده است. علت این برتری انسان که به واسطه فراگرفتن اسماء بوده این است که انسان مظهر کامل صفات خداوند است. و آینه وار آن ها را منعکس می نماید. به این تربیت می توان گفت: علم اسمای الهی؛ علمی شریف و معرفتی دقیق است که تنها انسان شایسته این علم و برتری شده است.

پس از ذکر مقدمه فوق در باب صفات خداوند تبارک و تعالی از منظر ملاصدرای شیرازی مطالبی ارائه گردید وارد بحث صفات خدا از منظر وی می شویم. در باب معنی صفت گفته

الهی بیان نموده است صفت یا ایجابی ثبوتی است یا سلبی تقدیسی، با توجه به آیه ((تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام))، (الرحمن/ ۷۸). یعنی پر برکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو. صفت جلال چیزی است که ذات خداوند را در مشابَهت با غیر برتر می دارد و این همان سلبی است و صفت اکرام و ارجمندی صفتی است که ذات پروردگار به وسیله او کرامت و برتری جمال دارد. صفات سلبی به یک سلب که آن سلب امکان از او است بر می گردند و صفات ثبوتی تقسیم می شوند به حقیقی و اضافی؛ صفات حقیقی مثل علم و حیات و صفات اضافی مانند خالقیت که تمام حقیقی ها به وجود وجود و تمام اضافی ها به اضافه قیومیت بر می گردند. لازم به ذکر است که وجود این صفات در او جز به وجود ذاتش به ذاتش نمی باشد. یعنی هر چند از نظر مفهوم با هم تغایر دارند ولی درباره او باید گفت همه به یک وجود موجودند پس از نظر مصداق صفات او عین همدند ولی از نظر مفهوم مغایرت دارند. حکیمان دیگر نیز چنین تعاریفی از عین هم بودن صفات او اراده داده اند.

لازم به ذکر است ارباب ذکر و اصحاب توحید خداوند سبحان را به اسماء و صفاتش می خوانند و ذکر خدا به وسیله اسماء و صفات یک فضیلت است و موجب قرب انسان می گردد. (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۰-۱۰۹)

پس خداوند را با اسماء و صفات می توان خواند و موجب فضیلت هم می شود. ملاصدرا نیز وقتی از خداوند صحبت می کند با این اسماء و صفات از او یاد می کند. لذا باید ببینیم خدای مورد نظر ملاصدرا دارای چه اسماء و صفاتی می باشد

اسم افضل است یا صفت

هستند. پس از این توضیحات به بیان صفات خداوند می پردازیم.

اسم اعظم

لازم است درباره ی اسم اعظم توضیح مختصری ارائه گردد هر چند درباره ی اسم اعظم سخن های بسیار گفته شده است. بعضی بر این عقیده اند که معنی اسم اعظم به طور اجمال جمیع معانی اسمای الهیه را شامل می گردد مظهر اسم اعظم حقیقتی است که همه حقایق ممکنات را شامل است و بر اساس همین این مسئله مطرح شده که کدام یک از اسمای الهی شامل همه اسماء می گردد؟ برخی از محققان اسم (الله) را اسم اعظم دانسته و روی اسم (حی قیوم) نیز تاکید کرده اند، به نظر این افراد اسم (الله) علم است و به عنوان یک اسم عام همه ی معانی اسمای حق را شامل می گردد ولی اسم (حی قیوم) لقب است و به عنوان یک لقب مشتمل بر همه ی معانی اسماء است به همین جهت است که می توان گفت همه ی اسمای فعلی حق تبارک و تعالی در اسم قیوم مندرج بوده و این اسم بر آنها دلالت دارد برخی از اهل معرفت بر این نظرند هنگامی که انسان از ذات خود غیبت کند و در عظمت وحدانیت حق تعالی فانی گردد خدا را به هر اسمی که بخواند همان اسم، اسم اعظم خواهد بود. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶، ص. ۳۹-۴۰).

اقسام صفات

قبل از پرداختن به تعریف صفات لازم است در مورد دسته بندی صفات مطالبی ذکر شود.

صفات الهی را از جهت های مختلف دسته بندی نموده اند ملاصدرا از جهت ثبوتی یا غیر ثبوتی بودن صفات برای ذات

است. (الفاطر/۱۵) و این مفهوم از خداوند خیلی تفاوت دارد با مفهیمی که از خدا در ادیان الهی دیگر وجود دارد. (صدرالمآلهین، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۱۷). وی درباره عینیت وجود و ماهیت خداوند متعال مطرح نموده است؛ که اگر وجود واجب زائد بر ماهیتش باشد لازم می‌آید که نیازمند سببی از خارج از ذات خود باشد و این امر چون از یک طرف نقص و نیاز را در ذات واجب وارد می‌کند و از طرف دیگر نقص و نیاز با واجب سازگاری ندارد. در بطلان ماهیت داشتن واجب چنین بیان داشته است؛ اگر وجود زائد بر او باشد در حد ذاتش با قطع نظر از آن چه عارض او شده نه موجود است نه معدوم و هر چیزی که چنین ویژگی داشته باشد ممکن الوجود است. در خالی که او واجب و بسیط الحقیقه است.

ملا هادی سبزواری در شعری به این نکته اشاره کرده است:

والحق ماهیته انیته از مقتضی العروض معلولیه
(سبزواری، ۱۳۷۹، ص ۹۶).

خداوند ماهیتش همان انیت و وجودش است؛ اگر وجود درباره خدا عارض ماهیتش گردد؛ یعنی، اگر وجود و ماهیت خدا عین هم نباشند و بلکه از هم قابل تفکیک باشند لازم می‌آید ذات خداوند معلول باشد. در حالی که معلول بودن ذات خداوند خلاف فرض و با واجب بودن ذات او سازگار نیست (تورانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳-۲۲۲).

اتین ژیلسون بیان کرده آنجا که صرفا وجود است، مانند ذات الهی، که ماهیتش با انیتش یکی است صیوررتی در کار نیست خدا هست چنانچه او نه ماهیتی خاص بلکه فعل محض و وجود است (ژیلسون، ۱۳۸۵، ص ۳۳۴).

در هنگام آموزش اسما و صفات باید به این نکته اشاره کرد که میان متکلمان اسلامی در اینکه اسم افضل است یا صفت نظرواحدی نیست بلکه اختلاف نظر دارند عده کثیری اسم را افضل دانسته اند و دلایلی برای نظر خود ذکر کرده اند از جمله دلایل این است.

۱- که اسم همواره بر صفت تقدم دارد. زیرا صفات مشتق شمرده می‌شوند و آنچه مشتق است، ناچار باید به یک اسم موضوع منتهی گردد. دلیل این امر آن است که اگر مشتق به یک اسم موضوع منتهی نگردد به تسلسل یا دور می‌انجامد و بطلان دور و تسلسل اثبات شده است.

۲- اسم مفرد است و مشتق در زمره مرکبات و واضح است که مفرد همواره نسبت به مرکب اصل به شمار می‌رود.

۳- اسم در مورد ذات به کار می‌رود و ذات همواره اشرف از صفت است. (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ص ۴۲-۴۱)

تبیین و آموزش مفهوم خدا در بیان ملاصدرا

ملاصدرا در آموزش و تبیین مفاهیم اسما و صفات الهی از وجود برای اثبات وجود خدا شروع کرده، وی وجود را همه کاره، مؤثر و حقیقت عینی ذو مراتب، واحد و بسیط می‌داند و اختلاف افراد آن را به شدت و ضعف، کمال و نقص و یا به واسطه امور زائد در آن افراد می‌داند. خداوند را یک وجود صرف، بسیط و مشکک می‌داند بالاترین مرتبه وجود که اتم و اکمل مراتب و کمالات همه ی مراتب پایین تر را داشته، هیچ ضعف و نقصی در او نیست و تمام مراتب وابسته و نیازمند به او هستند. «یا ایها الناس انتم فقراء الی الله والله هو الغنی الحمید». ای مردم شما همگی نیازمند به خداوند هستید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش

عینیت ذات و حقیقت وجود الهی:

می‌باشد و تمام وجود است همان گونه که تمامش وجود است. (فهو کل الوجود كما ان كله الوجود) پس او تمام وجود است که با هیچ نقص و کمبود و ضعف و غیر وجودی تناسب ندارد (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۱۰۰).

ملاصدرا پس از آن که در آثارش از جمله اسفار در مورد واجب الوجود یا ذات باری تعالی بحث‌های مفصلی نموده است در آثار دیگرش از جمله الشواهد الربوبیه نکته‌های دیگر در مورد وجود واجب الوجود اشاره نموده و آن این است که این وجود واجب، وجودی قائم به نفس و قائم به ذات خویش می‌باشد و این همان واجب الوجود و مطلوب ما است. (ملاصدرا، ۱۳۸۵، ص ۵۹)

آموزش صفات خداوند براساس اندیشه صدرالمتألهین

در کتاب اندیشه اسلامی^۱ که توسط آیت اله سبحانی و محمد رضایی نوشته شده است در بیان و آموزش صفات الهی بیشتر با رویکرد کلامی توضیح داده شده است؛ اما ملاصدرا که با رویکرد فلسفی به تبیین آن‌ها پرداخته باید گفت: به طور قطعی آراء حکمای قبل از خود را دیده است و از آن مطالب بهره‌ها برده است، یکی از کسانی، که ملاصدرا از آن متأثر شده ابن عربی می‌باشد. ابن عربی درباره وحدانیت ذات با اسماء و صفات الهی گفته است: "بدان که اسم اعظم الهی (اسم اعظم الله) که در بر گیرنده همه اسماء الله است و در عین این که با احدیتش متحد می‌شود، جامع تمامی آن اسم هاست" (قیصری، ۱۳۸۴، ص ۷۰۸). در این جا چند صفت مشهور ذات باری تعالی از جمله خیر، خالق، فاعل، عالم و عادل بودن وی را بیان می‌کنیم و چنان که در بین مباحث لازم بود صفات دیگر خداوند تبارک و تعالی توضیح داده خواهند شد. از نگاه ملاصدرا، هستی از مبدأ واجب الوجودی که وجودی

ملاصدرا در برهانی در نفی ماهیت از خداوند چنین استدلال نموده؛ اگر وجود زائد بر ماهیت خدا باشد ماهیت تحت مقوله‌ای از مقولات قرار می‌گرفت و ناگزیر آن مقوله باید جوهر باشد نه از مقولات عرضی خواه مقولات را هر چند در نظر بگیریم پس قیام مقولات عرضی به غیر خودشان است و وابستگی نباید در وجود خداوند راه یابد. اگر تحت مقوله جوهر باشد نیاز به فصلی دارد تا تخصیص بخورد تا از انواع دیگر ممتاز و جدا شود. جوهر نیز نیازمند به تخصیص دهنده‌ای دارد و در اینجا نیز نیاز با واجب الوجود بودن سازگار نیست. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۵۱-۵۰).

ملاصدرا معتقد بوده است ذات خداوند عین و حقیقت وجود است و تصور وجود بدیهی و آشکار است. سوالی که این جا مطرح است این است که: اگر تصور وجود بدیهی است و ذات خداوند هم عین حقیقت وجود است، چرا باید ذات خداوند و حقیقت ذات او مجهول باشد؟ از سخنان ملاصدرا در این خصوص چنین برداشت می‌شود که شدت ظهور و تاکد استواری و اشد مرتبه وجود از یک طرف و قصور قوه‌های ادراکی انسان و ضعف مرتبه وجود انسان از طرف دیگر منشاء برای پوشیده بودن حقیقت ذات حق تعالی از انسان گردیده است. در حالی که ذات خداوند تعالی در نهایت ظهور و اشراق و تابناکی است. در برهانی به طور مختصر چنین بیان می‌گردد. هر بسیط حقیقی تمام اشیای وجودی است یعنی، بسیط حقیقی، تمام موجودات هست و کمالات همه‌ی موجودات را دارد؛ اما این که گفته می‌شود تمام موجودات هست نه همه موجودات با نقص‌ها و کمبودهایشان آن چه که به نقایص، نارسایی و اعدام تعلق دارد ربطی به بسیط حقیقی ندارد. پس واجب الوجود بسیط حقیقی است و از تمام وجوه واحد و یکتا

و مطلق از جمیع جهات. او علت همه و آگاه به همه چیزاست، و جهان را از هیچ آفریده است.

ملاصدرا وقتی خواسته در مورد اثبات وجود خدا استدلال کند از وجود شروع کرده و هرکس با هندسه‌ی کلام ملاصدرا آشنا باشد می‌داند وی وجود را همه کاره در عالم می‌داند؛ زیرا، او وجود را حقیقت عینی، واحد و بسیط دانسته است. وجوب وجود پروردگار را علت وجود موجودات می‌داند، که با نور ذاتش هویت ممکنات را روشن می‌نماید. مفهوم خدا در نظر ملاصدرا، یک وجود صرف و بسیط است و با توجه به این که وجود را مشکک (ذومراتب) می‌داند. بالاترین مرتبه وجود که اتم مراتب و کمالات همه‌ی مراتب پایین‌تر را دارد، که کامل‌تر از آن هم متصور نیست، هیچ ضعف و نقصی هم در او نیست و آن را خداوند می‌داند. باید دانست تمام مراتب وابسته و نیازمند او هستند

سببی خارج از ذات خود باشد و این امر چون نقص و نیاز را در ذات واجب وارد می‌کند؛ چون نقص و نیاز با واجب سازگاری ندارد پس محال و ممتنع است که ذات واجب با ماهیت آن عینیت نداشته باشد. در این جا می‌خواهد بگوید ماهیت آن همان انیت و وجودش است؛ بنابراین می‌توان گفت هر دو اندیشمند در بیان مفهوم خدا وحدت او را مدنظر قرار داده‌اند و عبارت‌های مشترک زیادی در نظرات آن‌ها در مورد خداوند هست؛ اما ملاصدرا درباره خداوند اصطلاح بسیط الحقیقه را به کار برده است. بسیط الحقیقه یعنی، درعین بساطت کمالات همه موجودات را دارد، درحالی که همه موجودات دیگر کمالات خود را از او گرفته‌اند.

موضوع مشترک دیگر که در آثار و نظرات متفکران ادیان مختلف درباره خداوند وجود دارد و به آن پرداخته‌اند،

تمام‌تر و کامل‌تر از آن متصور نیست آغاز و به همان مبدأ ختم می‌شود. " ... « هو الاول و الآخر والظاهر و الباطن» (الحدید/۳). " وجود حقیقتی عینی، واحد و بسیط است که بین افرادش در برخورداری از اصل واقعیت تفاوتی نیست مگر از جهت کمال و نقص، شدت و ضعف و نظایر این‌ها. زیرا، وجودی که حقیقت صرف و بالاترین مرتبه وجود اختصاص به او دارد، هیچ نقص و وضعی ندارد، او جواد و رحمان و رحیم است. همه موجودات در هر مرتبه‌ای هستند وابسته به او هستند.

نتیجه‌گیری

مشخص شد از میان مفاهیمی که متفکران مورد نظر در این نوشتار درباره آن‌ها اشتراک نظر دارند، در بحث اسما و صفات الهی اشتراک نظر بیشتری وجود دارد. باید گفت: آگوستین معتقد است، حقیقت بزرگی که از همه موجودات عالم بزرگتر است وجود دارد؛ که نفس، این حقیقت متعالی و بزرگ را در جهان محسوس و مادی کشف نمی‌کند؛ بلکه به درون خود مراجعه کرده و شروع به تجزیه و تحلیل نموده است، تا این که طی مراحل عبور از حس و رسیدن به امر فراحسی و معقول است، حقیقت ثابتی را کشف می‌کند، که نه تنها فراتر از حس است، بلکه وابسته به نفس نیست و نفس با این سیر و سلوک به خدایی که مبدأ همه حقایق است نائل می‌شود.

خدای آگوستین، همان خدای کتب مقدس با بهره‌گیری از تفکر افلوطینی است. این خدا مبدأ نخستین است و اختلاف فاحشی بین او و موجودات جهان وجود دارد. از نظری خداوند موجودی است واحد، سرمدی، متعالی، خیر محض، دانای کل

۱. قرآن کریم ترجمه آیت اله العظمی مکارم شیرازی
۲. آرمسترانگ کرن. (۱۳۹۲). خدانشناسی از ابراهیم تا کنون. چاپ هفتم. ترجمه: م سپهری. تهران: نشر مرکز.
۳. آگوستین (۱۳۷۹). اعترافات. ترجمه سایه میثمی. تهران. دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۴. آگوستین. (۱۳۸۲). اعترافات. ترجمه افسانه نجاتی. تهران: انتشارات پیام امروز.
۵. آگوستین. (۱۳۹۱). شهر خدا. ترجمه: حسین توفیقی. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۶- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۶). اسماء وصفات حق. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷- ایلخانی، محمد (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس. تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۸. تورانی، اعلاء. (۱۳۸۹). خدا از دیدگاه صدرالمتألهین و پل تبلیغ. تهران. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۹- لین، تونی. (۱۳۸۰). تاریخ تفکر مسیحی. ترجمه روبرت آسریان. تهران. نشر فرزانه روز. چاپ چهارم.
- ۹- ژیلسون، اتین. (۱۳۸۵). هستی در اندیشه فیلسوفان ترجمه طالبو حمید. چاپ: اول، تهران: انتشارات حکمت.
- ۱۰- ژیلسون، اتین. (۱۳۷۹). روح فلسفه قرون وسطی. ترجمه ع داوودی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ سوم.

بحث فیض حق تعالی است؛ ولی این نیز مانند سایر مسائل دیگر اختلاف نظری با هم دارند؛ اما نکته اصلی این است، که هردو به فیاض بودن خداوند معتقد هستند و فیض عمومی حق را در عالم ساری و جاری دانسته، که به طور دائم به مخلوقات خواهد رسید؛ اما منظور از فیض در نظر آگوستین این است، بعد از خطا کردن و گناه کردن انسان، فیض؛ عمل مهربانانه خدا برای نجات انسان است و فیض اصلی و شاید بتوان گفت مرتبه اعلی فیض الهی ارسال عیسی مسیح برای هدایت و نجات انسانها است. باید این را هم گفت که وی فیض را با مختار بودن انسان پذیرفته است و فیض الهی را برای جبران خسارت بزرگی که به خاطر گناه اولیه انسان به انسان وارد شده می‌داند. هرچند این که قائل به فیض الهی بوده و معتقد است این فیض به همه می‌رسد قابل قبول است و این نشان از نگاه الهی وی و اعتقاد وی به کمالات و الطاف الهی به بندگان را می‌رساند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۲۰- هیک، جان. (۱۳۹۰). فلسفه دین. ترجمه: ب
سالکی. تهران: انتشارات بین المللی الهدی.

۱۱- سجادی، جعفر. (۱۳۸۹). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات
عرفانی، انتشارات طهوری. تهران چاپ نهم

۱۲- سبزواری، هادی. (۱۳۷۹). شرح المنظومه. تهران .
نشر ناب.

۱۳- صدر المتألهین، محمد. (۱۳۸۵). شواهد الربوبیه،
ترجمه جواد مصلح. تهران: انتشارات سروش.

۱۴. صدر المتألهین، محمد (۱۳۸۱). حکمت المتعالیه فی
الاسفار الاربعه، جلد ششم. تهران: انتشارات بنیاد حکمت.

۱۵. صدر المتألهین، محمد (۱۳۸۲). الشواهد والربوبیه
فی المناهج السلوکیه. تهران: انتشارات مطبوعات دینی.

۱۶. قیصری، داود. (۱۳۸۴). شرح فصوص الحکم. تهران.
بوستان کتاب.

۱۷. کاپلستون، فردریک. (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه. ترجمه:
دادجو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

گیسلر، نورمن. (۱۳۸۴). فلسفه دین. ترجمه: حمید رضا
آیت اللهی. چاپ اول. تهران: انتشارات حکمت.

۱۸. مک گراث، آلیستر. (۱۳۸۴). الهیات مسیحی
ترجمه بهروز حدادی. تهران. انتشارات مرکز مطالعات
و تحقیقات ادیان.

۱۹. وین رایت، ویلیام (۱۳۹۰). فلسفه دین. ترجمه: ع
ر کرمانی. قم: نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.